

**مطالعه و نقش سرمایه اجتماعی در احیای دریاچه ارومیه
(با تأکید بر مدیریت بهره برداری و نگهداری از شبکه های آبیاری و زهکشی در دشت بناب)**

محمدصادق علیائی^۱، فرهاد پاکنیا^۲، سمیه عزیزی^۳

چکیده

سرمایه اجتماعی به عنوان متغیری تبیین کننده در مسائل و موضوعات مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد توجه محققان می باشد. از طرفی بحث بحران دریاچه ارومیه طی دهه اخیر به یک چالش زیست محیطی و اجرایی بدل شده است. در این مطالعه نظر به اهمیت موضوع سرمایه اجتماعی در مطالعات انسانی و اجتماعی به بررسی ارتباط آن با تمایل کشاورزان به احیای دریاچه ارومیه پرداخته شده است. به منظور بررسی مولفه های مختلف سرمایه اجتماعی بر گرایش کشاورزان جهت کمک به احیای دریاچه ارومیه، پرسشنامه ای مرتبط با مولفه های اعتماد، انسجام، مشارکت و گرایش طراحی گردید و به صورت میدانی توسط کشاورزان تکمیل شد. اطلاعات بدست آمده بوسیله نرم افزار آماری SPSS مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج نشانگر آن است که میزان مشارکت اجتماعی مهمتر از دو مولفه دیگر بوده، هرچند تاثیر مولفه اعتماد و انسجام نیز قابل توجه و معنی دار است. نتایج نشان می دهد با افزایش یک واحد به درصد سرمایه اجتماعی به اندازه ۰/۳۴ درصد بر میزان تمایل افراد به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه افزوده می شود. نتایج تحلیل عاملی مولفه مشارکت اجتماعی از نظر آماری نشانگر یک مدل خوب می- باشد (CFI=۰/۸۸). عدم توجه به مشارکت اجتماعی در حل بحران دریاچه ارومیه به عنوان بحرانی اجتماعی، انسانی، زیست محیطی، اقتصادی، سیاسی و اقلیمی تبعات جبران ناپذیری را در تمامی عرصه های حیات انسانی و زیست محیطی در پی خواهد داشت. همچنین ضروری است به معقوله اعتماد و انسجام افراد و روش های افزایش این ابعاد سرمایه اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مولفه های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، گرایش به حل بحران دریاچه ارومیه.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۲۴

^۱ استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی و عضو هیأت علمی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (معاونت پژوهش و فناوری) (Email: msoliaei@gmail.com)

^۲ کارشناس ارشد مهندسی کشاورزی و مدیر مشارکت های مردمی شرکت آب منطقه ای استان آذربایجان شرقی (نویسنده مسئول)

(Email: farhadpaknia@yahoo.com)

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران (Email: somayehazizi20@gmail.com)

مقدمه

موضوع بحران دریاچه ارومیه نه تنها از نگاه منابع آبی و زیست محیطی، بلکه از لحاظ اجتماعی نیز بسیار حائز اهمیت می‌باشد؛ زیرا تداوم امر بحران را به مقوله اجتماعی انتقال داده است و منجر به بیکاری، افزایش فقر، مهاجرت و جابجایی ساکنان روستاها و شهرهای کوچک حاشیه منطقه، افزایش بزهکاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی و ... می‌شود. در زمان فعلی مهمترین عامل در فرایند توسعه که مدیریت بهینه آب بخشی از آن محسوب می‌شود «سرمایه اجتماعی» است. مباحث مرتبط با مشارکت مردمی در حوزه مسائل اجتماعی می‌باشد که در محافل علمی در زیر مجموعه سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سرمایه اجتماعی دارای مؤلفه‌های متعددی است که بدون شک با شناسایی تأثیر مؤلفه‌های آن بر مشارکت کشاورزان در مدیریت بهره‌برداري و نگهداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی می‌توان باعث حل بخشی از بحران دریاچه ارومیه و بهبود مدیریت منابع آبی در آن منطقه شود. محدوده مورد مطالعه شبکه آبیاری زهکشی دشت بناب می‌باشد که در جنوب دریاچه ارومیه واقع شده و یکی از کانون‌های اصلی پسروی دریاچه ارومیه و همچنین فشار بر منابع آبی زیر زمینی محسوب می‌گردد. لذا در این راستا بررسی این محدوده می‌تواند در حل مسائل مرتبط با مسائل اجتماعی حل بحران دریاچه ارومیه بسیار مؤثر واقع شود.

در این زمینه، بهره‌گیری از رهیافت‌های مدیریت مشارکتی آبیاری و ایجاد نظام‌های بهره‌برداري نوین و فراهم نمودن زمینه همیاری و مشارکت کشاورزان و بهبود نگرش آنان در قالب تشکلهای آب بران^۱، می‌تواند بسیاری از مشکلات این بخش را مرتفع نماید (Yercan, 2003; Heyd & Neef, 2004; Farshe et al, 2003; Bahredar & Al Yassin, 2002). اهمیت فعالیت‌های گروهی در زمینه‌های مختلف از جمله کشاورزی، مدیریت منابع طبیعی و برنامه‌های توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه به اثبات رسیده است (Mendoza, 2006). مشارکت در واقع، نوعی رفتار اجتماعی مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی یا گروهی است و جزء عوامل سرعت بخش توسعه است. مشارکت کاربران باعث انتظارات واقعی‌تر از توانایی سیستم و افزایش پذیرش سیستم توسط کاربران می‌شود (Lin & Huang, 2005). مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه‌های آبیاری، باعث افزایش حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری در بین کشاورزان و مشارکت در نگهداری و استفاده از این زیرساخت‌ها و افزایش راندمان آبیاری می‌شود (Azizi Khalakhili & Zamani, 2009:85). این کار سبب افزایش عملکرد محصول، افزایش راندمان مصرف آب و بهبود نگهداری از شبکه‌های آبیاری روستا می‌گردد.

در این بین، یکی از مهم‌ترین عناصر تحقق مشارکت واقعی در جوامع پیچیده امروزی، سطح سرمایه اجتماعی در جامعه است که زیر بنای مشارکت مفید اعضای جامعه برای دستیابی به نتایج سودمند برای فرد و اجتماع شمار می‌آید (Delphorus, 2001:133). از لحاظ نظری تصمیم افراد جامعه برای استفاده از یک ایده، روش و فن جدید و یا برای مثال، داشتن رفتاری مسئولانه نسبت به محیط زیست، در قالب «نظریه کنش اجتماعی» قابل بررسی است. مروری به منابع مربوط به بحث «سرمایه اجتماعی» نیز نشان می‌دهد که مفهوم «سرمایه اجتماعی» معطوف به کنش اجتماعی بوده و سرمایه اجتماعی در واقع توانایی گسترش کنش است و آن را غنی می‌سازد و به تعبیری منبع کنش اجتماعی محسوب می‌گردد. سرمایه اجتماعی، پایه و اساس منابع نهادینه شده در ساختار اجتماعی افراد است که تعاملات بین افراد را تسهیل می‌نماید (Adler & Kwon, 2002; Tsai, 2002; Hitt et al, 2002; Narayan & Cassidy, 2001). روابط اجتماعی هسته اصلی جامعه محسوب می‌گردد و موجب می‌شود کنشگران با گسترش پیوندهای خود، کنش‌های خود را در ساختار جامعه تسهیل نمایند و از این طریق به اهداف خود دست یابند. در نظام اجتماعی کنونی، سرمایه اجتماعی بعنوان یکی از شاخصه‌های بنیادین توسعه در هر جامعه‌ای مطرح است و یکی از شروط لازم برای پیشرفت و توسعه جامعه، گسترش انسجام اجتماعی، بسط مشارکت اجتماعی و اعتماد متقابل فرد، جامعه و دولت است. سرمایه اجتماعی تأثیرات مهمی بر سازماندهی توسعه روستاها دارد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: ۱- ارتباط متقابل برای ایجاد هماهنگی بین فعالیت

^۱- Participatory Irrigation Management

ها ۲- بسیج منابع و اعمال مدیریت در آنها ۳- اعمال مشارکت عمومی و ارزیابی آرا و مسأله یابی ۴- ارائه راهکارهای حل مشکلات. تجربه نشان داده است که ایجاد و حمایت از انجمن های روستایی و مشارکت بهره برداران منابع روستایی در ارائه راهکارهای چگونگی بهره برداری مناسب از منابع موجود نتایج مطلوبی را در افزایش بازدهی سرمایه های اقتصادی روستاها در بردارد (Tavakoli et al, 2014:265&270).

هدف کلی از این تحقیق، بررسی رابطه بین مؤلفه های سرمایه اجتماعی و گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه با تأکید بر مدیریت بهره برداری و نگهداری از شبکه های آبیاری و زهکشی در دشت بناب می باشد. در نهایت ارائه راهکارهایی برای بهبود میزان گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه و مدیریت بهره برداری و نگهداری از شبکه های آبیاری و زهکشی از اهداف اختصاصی این مطالعه می باشد. در این راستا اهداف فرعی مطالعه در قالب تأثیر تفکیکی مؤلفه های سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، انسجام، ارتباطات کاری، فعالیت های داوطلبانه) بر گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه به شرح زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱. ارزیابی رابطه بین اعتماد و گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه؛
۲. ارزیابی رابطه بین انسجام اجتماعی و گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه؛
۳. ارزیابی رابطه بین مشارکت اجتماعی و گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه؛
۴. ارزیابی رابطه بین روحیه تعاون گرایی و همکاری و گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه؛
۵. بررسی مدل ساختاری تأثیر مؤلفه های تمایل، انسجام و مشارکت اجتماعی بر گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه.

فرضیات پژوهش

۱. بین اعتماد و گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه رابطه وجود دارد؛
 ۲. بین انسجام اجتماعی و گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه رابطه وجود دارد؛
 ۳. بین مشارکت اجتماعی و گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه رابطه وجود دارد؛
- در ارتباط با پژوهش پیش رو، تحقیقات زیادی انجام شده که به صورت مختصر به برخی از آنان اشاره می شود. خدابخشی و قلی فر (۱۳۹۱)، در تحقیقی به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در تمایل کشاورزان به مشارکت در تشکیل های آب بران در شهرستان زنجان پرداخته اند. ایشان در این تحقیق به این نتیجه رسیدند که بین تمایل به مشارکت کشاورزان در تشکیل های آب بران و سرمایه اجتماعی و ابعاد مختلف آن رابطه معنی داری وجود دارد. ایشان همچنین به این نتیجه رسیدند که بین این متغیر و متغیرهای میزان تحصیلات، مدت عضویت در شرکت تعاونی روستایی، مدت عضویت در تعاونی تولید و نگرش کشاورزان به مشارکت در تشکیل های آب بران در سطح یک درصد و متغیرهای مساحت اراضی آبی و میزان مواجهه با کم آبی در سطح پنج درصد رابطه معنی داری وجود دارد. نوری پور و نوری (۱۳۹۱)، در مطالعه ای به تحلیل نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت آب بران شبکه آبیاری و زهکشی دشت لیستر گچساران پرداخته اند. یافته های این پژوهشگران نشان می دهد که بین سرمایه اجتماعی و مشارکت آب بران رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد. همچنین رابطه معنی دار و منفی بین سرمایه اجتماعی و عضویت در تعاونی آب بران وجود دارد. افزون بر این، تحلیل رگرسیون در این تحقیق نشان می دهد که متغیرهای مستقل سرمایه اجتماعی، عضویت در تعاونی تولید، عضویت در تعاونی آب بران، تجربه کشاورزی و نگرش نسبت به نهادهای مربوط به امور آب و آبیاری در حدود ۳۳ درصد از تغییرات متغیر میزان مشارکت در شبکه آبیاری و زهکشی را تبیین می کند.

تحلیل عوامل تأثیرگذار بر مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه آبرسانی بخش جرقویه شهرستان اصفهان عنوان پژوهشی است که زارعی دستگردی و همکارانش (۱۳۸۸) انجام داده اند. نمونه آماری این پژوهش، ۱۲۶ نفر از کشاورزان عضو تشکیل آب بران جرقویه

بوده و با روش پیمایش انجام یافته است. نتایج اولویت بندی زمینه های مشارکت کشاورزان در مدیریت شبکه آبرسانی نشان داد که مشارکت در ایجاد کانال های جدید و ایجاد درجه های جدید، دو فعالیتی بوده اند که کشاورزان در انجام آنها بیشترین میزان مشارکت را داشته اند. نتایج تحلیل عاملی این پژوهش نیز نشان داد که عواملی چون مشارکت در حفاظت و توسعه فنی شبکه، مشارکت در افزایش بهره وری آبیاری، مشارکت در توزیع بهینه آب، مشارکت در فعالیت های گروهی و همکاری با ادارات دولتی آب، حدود ۷۲ درصد کل زمینه های مشارکت کشاورزان عضو تشکل آب بران را در مدیریت شبکه آبرسانی مشخص می کند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای میزان اراضی کشت شده، مدت عضویت در تشکل آب بران، سابقه کشاورزی و سطح تحصیلات، حدود ۵۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می کند. شاهرودی و چیدری (۱۳۸۶)، در تحقیقی به بررسی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر نگرش کشاورزان نسبت به شیوه های مدیریت آب کشاورزی با رویکرد مقایسه دو گروه کشاورزان در شبکه های آبیاری دارای تعاونی های آب بران و فاقد آن پرداخته اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داده که میزان نگرش بیش از نیمی از پاسخگویان در شبکه آبیاری دارای تعاونی آب بران نسبت به مدیریت آب کشاورزی در سطوح مثبت و نسبتاً مثبت قرار داشته و همچنین نتایج نشان می دهد که تعاونی آب بران بر توسعه عوامل سرمایه های اجتماعی، انسانی، فیزیکی، مالی و طبیعی بسیار تأثیرگذار بودند، به طوری که شبکه آبیاری دارای تعاونی آب بران با ارتقای مؤلفه های اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی، بهبود تماس های ترویجی، گسترش کانال های اطلاع رسانی مناسب و مشارکت بیشتر آب بران در مدیریت آب آبیاری بر میزان نگرش کشاورزان در زمینه توسعه و بکارگیری شیوه های مدیریت آب کشاورزی به خصوص سرمایه گذاری در تکنولوژی آبیاری تحت فشار نسبت به شبکه های فاقد این تعاونی اثربخش تر بودند.

نارایان و پریچت^۱ (۲۰۰۹)، در تحقیقی به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در فعالیت های کشاورزی پرداخته اند. ایشان در این تحقیق شاخص هایی همچون اعتماد، پیوندهای فردی، ارتباطات و مشارکت را در سرمایه اجتماعی عنوان نموده و بیان می دارند که احتمال بیشتری وجود دارد که روستاییان دارای سرمایه اجتماعی بالاتر، با فعالیت های نوین کشاورزی سازگارتر باشند. ایشان همچنین به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی تأثیر مثبتی بر توسعه محلی داشته است. کرامب^۲ (۲۰۰۶)، در تحقیقی به بررسی توسعه سرمایه اجتماعی به منظور بهبود شیوه های مدیریت منابع کشاورزی پرداخته است. ایشان در این تحقیق بیان داشته است که توسعه سرمایه اجتماعی، موجب بهبود رفتار کشاورزان در زمینه شیوه های مدیریت منابع کشاورزی و در نتیجه باعث تسهیل و افزایش شدت میزان به کارگیری فناوری های کشاورزی می شوند. روبن و لرمین^۳ (۲۰۰۵)، در تحقیقی در مورد رابطه بین سرمایه اجتماعی و تشکل های آب بران، بیان می دارند که توسعه مؤلفه های سرمایه اجتماعی در میان کشاورزان، موجب ارتقای مشارکت آنها در مدیریت شبکه های آبیاری می گردد. ایشان در نتایج خود در این تحقیق، همبستگی مثبت و معنی دار بین مشارکت شهروندان و سطح سرمایه اجتماعی را در سطح پایین اثبات کردند.

مبانی نظری پژوهش

سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی های اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن مطرح گردیده است. این مفهوم از سال های ۱۹۹۰ برای نخستین بار از سوی جامعه شناسان فرانسوی و آمریکایی مطرح گردید. نظریه سرمایه اجتماعی به طور ذاتی بسیار ساده است، ایده محوری آن را می توان در دو کلمه اهمیت روابط خلاصه کرد. با برقراری تماس با یکدیگر و پایدار ساختن آن ها اعضای جامعه قادر به همکاری با هم و از طریق ایجاد پیوندهایی بین آن ها می توانند به کسب چیزهایی که به صورت فردی نمی توانستند به دست آورند یا به سختی قابل اکتساب بوده اند نائل آیند. انسان ها از طریق مجموعه ای از شبکه ها بهم متصل می شوند و تمایل دارند که ارزش های مشترکشان را با سایر اعضای این شبکه ها به اشتراک بگذارند. به میزانی که این شبکه ها

^۱ -Narayan & Pritchett

^۲ -Cramb

^۳ -Ruben & Lerman

تشکیل نوعی دارایی را می دهند، می بایست به عنوان شکل دهنده نوعی سرمایه تلقی شوند. این سرمایه همانقدر که در زمینه اولیه خود مفید است می تواند در سایر مجموعه ها نیز مفید باشد (Afrakhte et al, 2014:31).

امروزه سرمایه اجتماعی یکی از عوامل اصلی توسعه پایدار می باشد و بعد اجتماعی توسعه در مناطق مختلف بدون توجه به مشارکت و سرمایه اجتماعی آن محدوده امکان پذیر نمی باشد. پژوهش های متعدد نشان داده است که جوامع پیشرفته از سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد، مشارکت، همبستگی، ثبات و ... برخوردارند اما تجربه اجرای برنامه های توسعه در کشورهای در حال توسعه در طی چند دهه اخیر نشان داده اند که به دلیل نادیده گرفتن مشارکت واقعی مردم نتوانسته اند در عمل به اهداف مورد نظر دست یابند. پیامد این عدم موفقیت، توجه اندیشمندان شاخه های مختلف علوم اجتماعی به موضوع مشارکت بوده است (Safiri & Tamiz, 2011:121). رابرت پاتنام^۱، یکی از نظریه پردازان برجسته سرمایه اجتماعی است و مفهوم سرمایه اجتماعی را در ارتباط با توسعه سیاسی به کار برد. کار پاتنام از مرزهای رشته تخصصی وی که علوم سیاسی بود، فراتر رفته و به حوزه عمومی رسیده است. کوچک ترین واحد مورد مشاهده جامعه شناسی، رابطه بین دو فرد یا به عبارت دقیق تر، مشاهده کنش متقابل ناشی از روابط بین دو نفر است. در مراحل بعدی با پیچیده تر شدن روابط و افزایش خطوط و گسترش کنش، شبکه های اجتماعی تشکیل می شود و اولین جزء سرمایه اجتماعی شبکه هاست^۲. از نظر وی شبکه های مشارکت از شکل های ضروری سرمایه اجتماعی هستند. پاتنام روابط افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی ترین جزء سرمایه می داند و بر اهمیت و نقش مرکزی شبکه ها تأکید می ورزد بنابراین از نظر او مفهوم سرمایه اجتماعی فراتر از سطح فردی به کار گرفته می شود. پاتنام سرمایه اجتماعی را شبکه ای از هنجارها و اعتمادی می داند که راه حلی مناسب برای درمان مسائل کنش جمعی بوده و مشارکت کنندگان را قادر می سازد تا به طور مؤثرتری با همدیگر کنش داشته باشند و اهداف مشترکشان را پیگیری نمایند (Haghighatian et al, 2012:139). سرمایه اجتماعی و توسعه، این دو متغیر رابطه مستقیم با هم دارند، برای مثال کلمن^۳ همانند پاتنام می گوید: سرمایه اجتماعی از طریق اعتماد، هنجارها و شبکه های مشارکت مدنی تسهیل کننده کنش و نیرویی مولد در افزایش کارایی جامعه است یا بر اساس نظر فرانسیس فوکویاما^۴ سرمایه اجتماعی، بنیاد رشد، ثبات اقتصادی و غلبه کننده بر شکست های بازار است، لذا با زمینه سازی و بکارگیری این مفهوم در برنامه ریزی توسعه روستاها می توان بی ثباتی جامعه روستایی را کاهش داد.

از آنجایی که تعداد قابل توجهی از جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می کنند، توسعه روستایی بخش اجتناب ناپذیر توسعه ملی است. به اعتقاد کارشناسان در حال حاضر این امر بیش از هر چیزی در گرو توسعه سرمایه اجتماعی (از طریق مشارکت، همیاری، تعهد و اعتماد) می باشد، به این دلیل که مشارکت و همیاری متقابل در افزایش بهره وری در محیط روستایی نقش چشمگیری ایفا می کند. در سایه تقویت سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی، نیروی عظیم هم افزایی ایجاد می شود و این نیروها بستر را جهت پشتیبانی و حمایت برنامه های رشد و توسعه روستایی فراهم می کند. اما در شرایطی که سرمایه اجتماعی یعنی توانایی استفاده جمعی و توأم با همکاری برای وظایف عمومی وجود نداشته باشد، بعید است تنها تأمین سرمایه مالی و افزایش سرمایه انسانی (از طریق آموزش) بتواند به نتایج مثبتی همچون رشد اقتصادی، کاهش فقر، مشارکت بیشتر منجر شود (Afrakhte et al, 2014:32).

زوال سرمایه اجتماعی در کشورمان بی شباهت به اوضاع وخیم دریاچه ارومیه نیست! در حال حاضر بحث بحران دریاچه ارومیه طی دهه اخیر به یکی از مهمترین چالش های زیست محیطی و اجرایی کشور بدل شده است. خشک شدن این دریاچه فقط در آسیب های زیست محیطی خلاصه نمی شود و می تواند آسیب های اجتماعی جبران ناپذیری را به همراه داشته باشد. یکی از مهمترین

^۱ - Rabert Patnam

^۲ - شبکه های رسمی شامل آن دسته از روابط و پیوندهایی است که افراد را به مؤسسات و نهادهای رسمی مانند سازمان های دولتی و نظایر آن مرتبط می کند. شبکه های غیر رسمی شامل پیوندها و روابطی است که افراد جامعه را به نهادهای غیر رسمی مانند خانواده، خویشاوندان و ... جهت شرکت در فعالیت های جمعی مرتبط می نماید.

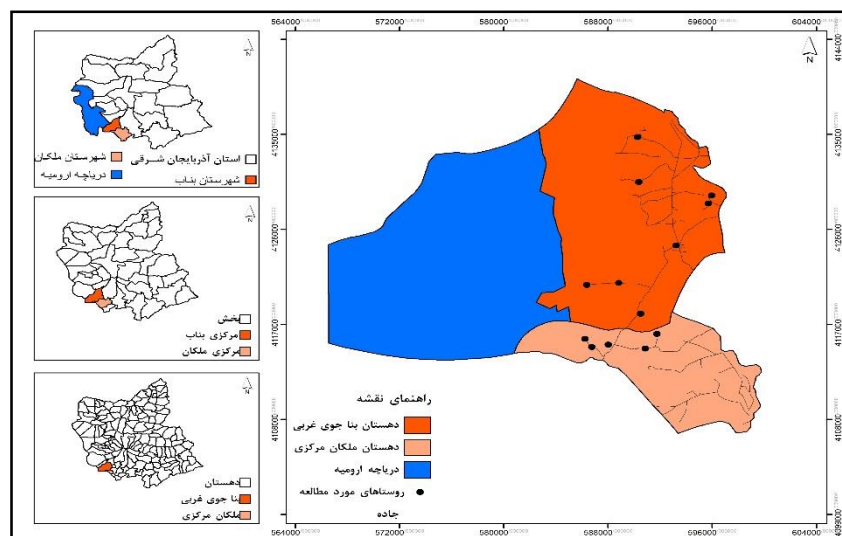
^۳ - James Kelman

^۴ - Francis Fukuyama

آسیبهای اجتماعی، بیکاری و مهاجرت مردمان محلی به شهرهای دیگر است که با خشک شدن دریاچه ارومیه این فاجعه اتفاق می افتد. در این میان می توان از ظرفیت های جوامع محلی در احیای دریاچه ارومیه استفاده کرد اما این موضوع مستلزم این است که جوامع محلی در طرح های پیشنهادی دستگاه های دولتی و مشارکت داده و در نظر گرفته شوند. طرح نجات دریاچه ارومیه که از سوی دولت در حال پیگیری است، به عنوان یک برنامه ملی قطعاً نیازمند مشارکت و همراهی مردم اعم از کشاورزان و جوامع محلی ذیربط است. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع سرمایه اجتماعی در مطالعات انسانی و اجتماعی ضرورت دارد، به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی با گرایش کشاورزان از طریق اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی به احیای دریاچه ارومیه پرداخته شود.

محدوده مورد مطالعه

با توجه به قلمرو زمانی و مکانی تحقیق، جامعه آماری این پژوهش شامل کشاورزان ساکن در روستاهای محدوده طرح شبکه آبیاری و زهکشی دشت بناب و ملکان در استان آذربایجان شرقی خواهد بود که شامل ۱۳ روستا (روستاهای قره چپق، چپقلو، آخوند قشلاقی، حاج مصیب، قره قشلاق، زوارق، خلیلوند، قراء پنجگانه شامل ۵ روستا و کوه مهر) با جمعیت ۲۲۵۳۰ نفر در شهرستان بناب می باشد. بعد از بدست آوردن تعداد کشاورزان ساکن در روستاهای محدوده طرح شبکه آبیاری و زهکشی دشت بناب و ملکان با در نظر گرفتن مقدار بحرانی متغیر نرمال استاندارد در جدول $Z = 1/96$ ، سطح اطمینان $1 - \alpha = 95\%$ و خطای قابل اغماض $\epsilon = 0/1$ و طبق محاسبه فرمول کوکران، نمونه آماری به عنوان حجم نمونه ۱۰۰ نفر برآورد گردید. به منظور انتخاب نمونه ها برای تکمیل پرسشنامه روش نمونه گیری طبقه ای با اختصاص متناسب استفاده شد.



شکل (۱): موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

روش پژوهش

با توجه به اینکه در این پژوهش به بررسی رابطه پرداخته شده و هیچ تداخلی در متغیرها صورت نپذیرفته است، روش و طرح تحقیق، توصیفی و از نوع همبستگی است و پژوهشگر بر آن است تا رابطه ای بین چند متغیر را تبیین نماید. این تحقیق از نظر میزان کنترل از نوع میدانی بوده و از نظر جمع آوری اطلاعات از نوع پیمایشی می باشد. در این پژوهش ارتباط بین سرمایه اجتماعی (متغیر پیش بین) با تمایل به مشارکت در برنامه حل بحران دریاچه ارومیه (متغیر ملاک) بررسی شده است.

شیوه جمع آوری اطلاعات: داده های پژوهش پس از فراخوان عمومی و اجرای پرسشنامه ها جمع آوری گردید. بدین صورت که پس از انتخاب تصادفی ۶ روستا، از طریق هماهنگی با شوراهای روستاها در مساجد و اماکن عمومی اعلان عمومی صورت گرفت و از تمام اهالی دعوت به همکاری به عمل آمد؛ در برخی موارد نیز همکاری های لازم توسط شوراهای اسلامی روستاها صورت نگرفت و پژوهشگر فقط با مراجعه حضوری به منازل اقدام به جمع آوری اطلاعات نمود. در ادامه از افراد حاضر به همکاری لیست تهیه

گردید. از آنجایی که حضور زنان کم‌رنج‌تر بود، با همکاری یک دستیار زن و با مراجعه حضوری به منازل خانواده‌هایی که همسر و یا والدینشان اجازه مشارکت می‌داد، مقداری بر تعداد زنان حاضر به همکاری افزوده شد. سپس از روی لیست، حجم نمونه‌ی لازم به شیوه تصادفی انتخاب شد. مجدد به افراد حاضر به همکاری که به صورت تصادفی از روی لیست انتخاب شده بودند مراجعه شد و از آن‌ها دعوت به عمل آمد تا در موعد مشخص در مسجد یا مدرسه حضور یابند و پژوهشگر ضمن توضیح نحوه تکمیل پرسشنامه، به سؤالات و نکات مبهم احتمالی پاسخ داد. همچنین از آنجایی که تعداد زیادی از افراد در محل مورد نظر حاضر نشدند، به صورت حضوری به منازل این اشخاص مراجعه شد. پایایی پرسشنامه، با استفاده از آلفای کرونباخ، ۰/۸۷ بدست آمد که نشانگر پایایی نسبتاً بالایی ابزار پژوهش بود. روایی پرسشنامه نیز توسط اعضای کمیته اجتماعی شرکت آب منطقه ای آذربایجان شرقی و تعدادی از کارشناسان متخصص در مطالعات اجتماعی و نظام‌های بهره برداری به تأیید رسیده است.

شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات: برای خلاصه‌سازی داده‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، فراوانی نسبی و تراکمی، میانه، میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی متناسب با سطح سنجش یا مقیاس اندازه‌گیری و شکل توزیع داده‌ها استفاده شد. در سطح آمار استنباطی از روش‌های آزمون معنی‌داری همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه (Multiple Regression) به روش ورود (Enter)، تحلیل واریانس (Anova) و آزمون T با بکارگیری نرم افزار SPSS18 استفاده شد.

متغیرهای پژوهش:

متغیرهای پیش‌بین (مستقل)

- ۱- سرمایه اجتماعی؛ ۲- اعتماد اجتماعی؛ ۳- انسجام اجتماعی؛ ۴- مشارکت اجتماعی؛ ۵- روحیه تعاون و همکاری؛
- متغیرهای ملاک (وابسته)

- ۱- تمایل به مشارکت در احیای دریاچه ارومیه؛

یافته‌ها و بحث

نتایج تحلیل توصیفی و عمومی افراد شرکت‌کننده در مطالعه

نتایج نشان می‌دهد میانگین سنی افراد شرکت‌کننده ۴۲ سال با انحراف معیار ۱۳/۵ است. کمترین سن افراد شرکت‌کننده در مطالعه ۲۱ و بالاترین سن ۷۵ است همچنین بیشتر افراد شرکت‌کننده در مطالعه را متاهلین تشکیل می‌دهند (جداول ۱ و ۲).

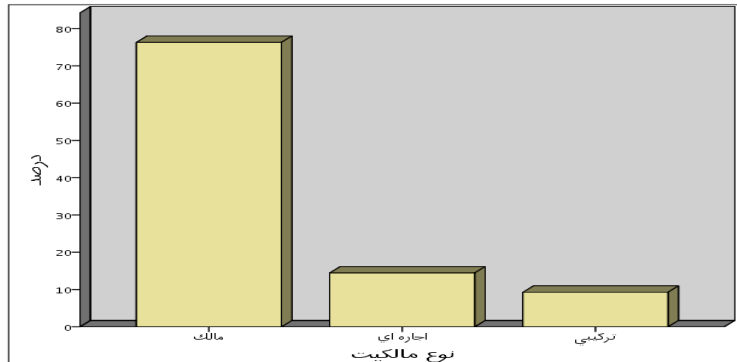
جدول (۱): توزیع سنی افراد شرکت‌کننده در مطالعه

گروه سنی	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
۲۰-۳۰	۱۵	۱۵	۱۵/۰
۳۰-۴۰	۳۵	۳۵	۵۰/۰
۴۰-۵۰	۲۴	۲۴	۷۴/۰
۵۰-۶۰	۹	۹	۸۳/۰
۶۰-۷۰	۱۲	۱۲	۹۵/۰
>=۷۰	۵	۵	۱۰۰/۰
مجموع	۱۰۰	۱۰۰	

جدول (۲): توزیع افراد شرکت‌کننده در مطالعه به تفکیک وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد فراوانی نسبی
مجرد	۱۵	۱۵/۵
متاهل	۸۲	۸۴/۵
مجموع	۹۷	۱۰۰/۰

طبق شکل (۱) نتایج نشان می دهد متوسط درآمد ماهانه افراد تقریباً دو میلیون و مساحت زمین ها زیر کشت تقریباً دو و نیم هکتار می باشد. بیشتر افراد مالک زمین خویش می باشند. میانگین سابقه کشاورزی افراد برابر ۲۲ سال بدست آمد. همچنین نتایج نشان داد بیشتر افراد از بدو تولد در روستای خویش زندگی را سپری نموده اند. بیشتر افراد به صورت همزمان به باغداری و کشاورزی مشغول هستند. زمین تقریباً ۷۳ درصد افراد به صورت پراکنده می باشد.



شکل (۱): توزیع افراد شرکت کننده در مطالعه به تفکیک مالکیت زمین

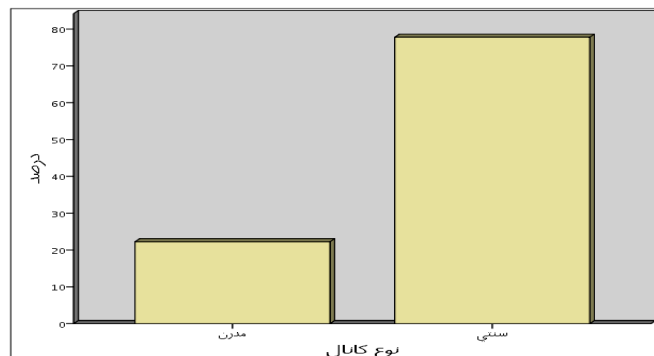
جدول (۳): توزیع افراد شرکت کننده در مطالعه و میزان دسترسی به آب شبکه

گروه سنی	فراوانی	درصد فراوانی نسبی	درصد فراوانی تجمعی
کم	۴۶	۴۶/۰	۴۶/۰
متوسط	۴۸	۴۸/۰	۹۴/۰
زیاد	۶	۶/۰	۱۰۰/۰
مجموع	۱۰۰	۱۰۰/۰	

نتایج جدول (۳) حاکی از آن است افراد دسترسی متوسط و متوسط به پایین به آب شبکه دارند. بیشتر افراد نظرشان آن است میزان آب در شبکه از دیدگاه کفایت در حد متوسط و یا کم است و در زمان خشکسالی به سختی می توان نیازهای آبی را مرتفع نمود. جدول (۴) و شکل (۲) نشان می دهد بیشتر کانال های آب به صورت سنتی طراحی شده اند. سیستم آبیاری بیشتر افراد به صورت سنتی می باشد و تنها سه مورد به صورت تحت فشار طراحی شده است.

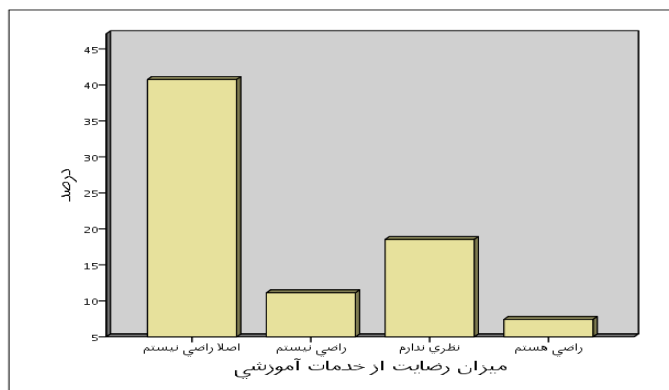
جدول (۴): توزیع افراد شرکت کننده در مطالعه به تفکیک نوع دسترسی به آب شبکه

گروه سنی	فراوانی	درصد فراوانی نسبی
مدرن	۱۸	۱۸/۰
سنتی	۶۳	۶۳/۰
مجموع	۸۱	۸۱/۰



شکل (۲): توزیع افراد شرکت کننده در مطالعه به تفکیک نوع دسترسی به آب شبکه

شکل (۳) نشان گویای آن است که بیشتر افراد از میزان خدمات آموزشی رضایت کافی ندارند.



شکل (۳): توزیع افراد شرکت کننده در مطالعه و رضایتشان از میزان خدمات آموزشی

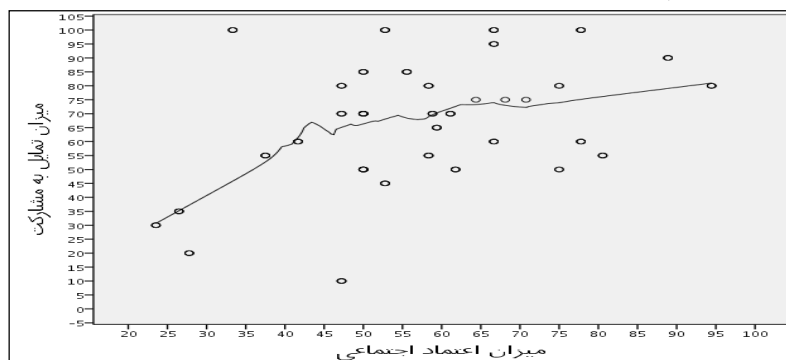
جدول زیر توزیع فراوانی مدت عضویت افراد در تعاونی آبران را نشان می دهد.

جدول (۵): توزیع فراوانی مدت عضویت افراد در تعاونی آبران

گروه سنی	فراوانی	درصد فراوانی نسبی
اصلا	۱۲	۱۴/۸
کمتر از یک سال	۲۷	۳۳/۳
یک تا دو سال	۹	۱۱/۱
دو تا پنج سال	۳	۳/۷
بیش از پنج سال	۳۰	۳۷/۰
مجموع	۸۱	۱۰۰/۰

ارزیابی ارتباط اعتماد اجتماعی و تمایل به مشارکت افراد در حل بحران دریاچه ارومیه

نتایج نشان می دهد میزان اعتماد اجتماعی با تمایل افراد و میزان مشارکت برای حل بحران دریاچه ارومیه رابطه مستقیمی دارند و با افزایش میزان اعتماد، اندازه تمایل به مشارکت افراد نیز بیشتر می شود. شکل (۴) پراکنش الگوی ارتباطی بین دو مولفه را نشان می دهد. نتایج گویای آن است افزایش اعتماد در سطوح پایین تاثیر بیشتری به افزایش میزان تمایل افراد به مشارکت دارد و در سطوح بالا اعتماد این تاثیر متعادل تر می شود و نهایت در هر سطحی از اعتماد نمی توان تمایل به مشارکت افراد را به سطحی بالاتر از هشتاد درصد رساند به غیر از افراد خیلی کم که می توان گفت دیدگاه این افراد شاید مستقل از میزان اعتمادشان باشد.

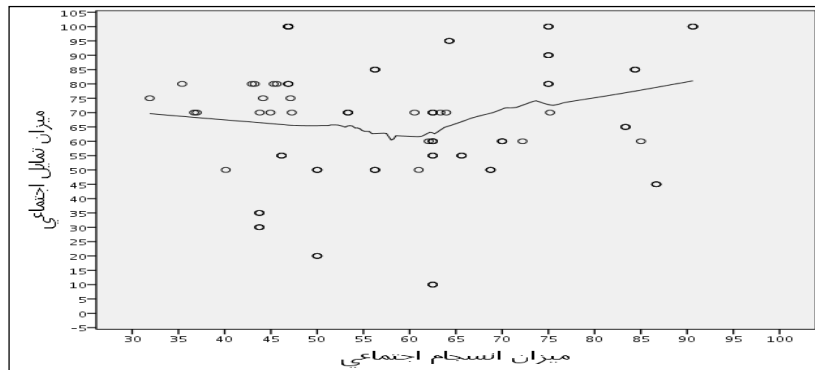


شکل (۴): رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان تمایل افراد به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه

نتایج آزمون همبستگی کندال تاو و اسپیرمن به ترتیب مقادیر ۰/۲۶۸ و ۰/۳۷۸ را نشان می دهد و ارتباط بین اعتماد اجتماعی و تمایل مشارکت معنی دار است ($p\text{-value} < 0.0001$).

ارزیابی ارتباط انسجام اجتماعی و تمایل به مشارکت افراد در حل بحران دریاچه ارومیه

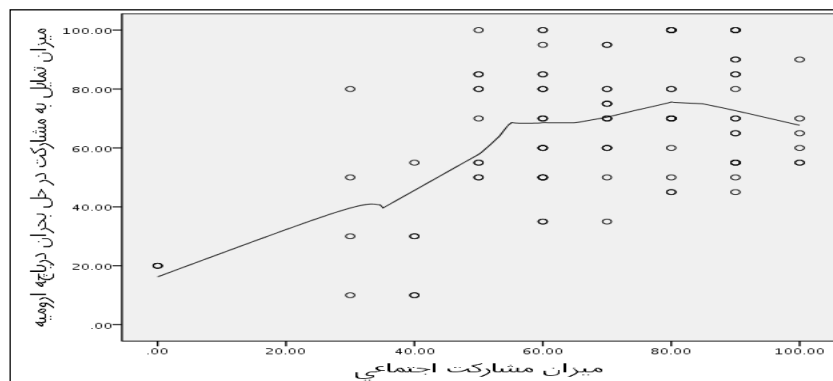
نتایج بررسی الگوی رابطه بین میزان انسجام اجتماعی و میزان تمایل افراد به مشارکت نشان می دهد در سطوح پایین انسجام میزان تمایل تقریباً به شکل ثابت و نسبتاً کاهشی می باشد ولی با افزایش میزان انسجام اجتماعی به حد مطلوب می توان به اندازه بیست درصد بر میزان تمایل اجتماعی افزود. نتایج آزمون همبستگی کندال تاو و اسپیرمن به ترتیب مقادیر ۰/۱۰۲ و ۰/۱۴۳ را نشان می دهد و ارتباط بین اعتماد اجتماعی و تمایل مشارکت از نظر آماری معنی دار نیست ($p\text{-value}=0.154$).



شکل (۵): رابطه بین میزان انسجام اجتماعی و میزان تمایل افراد به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه

ارزیابی ارتباط مشارکت اجتماعی و تمایل به مشارکت افراد در حل بحران دریاچه ارومیه

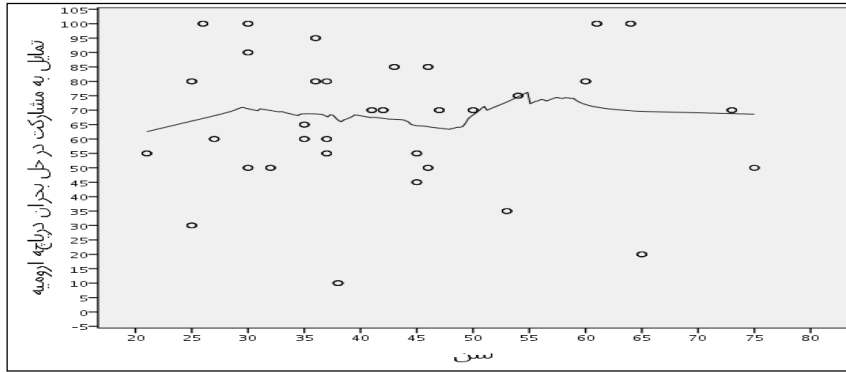
الگوی ارتباطی میزان مشارکت اجتماعی با میزان تمایل به مشارکت در حل بحران دریاچه در شکل (۶) نشان داده شده است. نتایج حاکی از افزایش میزان تمایل با افزایش مشارکت اجتماعی می باشد. ولی همچنان که شکل نشان می دهد تا سقف میزان مشارکت شصت درصدی میزان تمایل افراد افزایش پیدا می کند ولی بالاتر از آن تاثیر قابل توجهی در میزان تمایل افراد به مشارکت ندارد. همچنین میزان تمایل به مشارکت نهایتاً هشتاد درصد می تواند افزایش یابد.



شکل (۶): رابطه بین میزان مشارکت اجتماعی و میزان تمایل افراد به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه

ارزیابی ارتباط سن و تمایل به مشارکت افراد در حل بحران دریاچه ارومیه

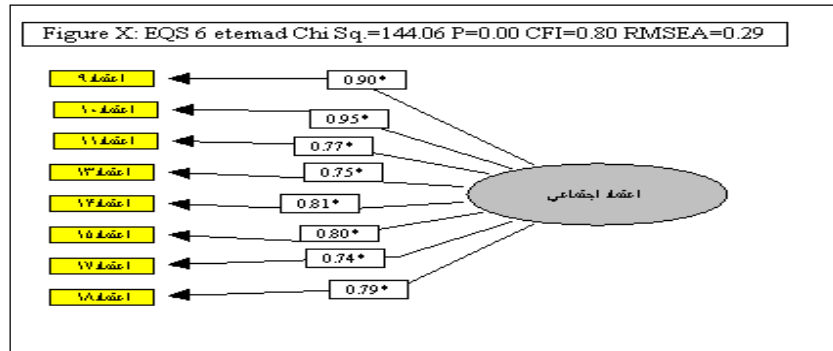
نتایج نشان می دهد سن افراد تاثیری بر تمایل آنها به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه نداشته است و میزان همبستگی متغیر سن و تمایل به مشارکت نزدیک صفر بدست آمد که نشانگر عدم ارتباط این دو متغیر است.



شکل (۷): رابطه بین سن و میزان تمایل افراد به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه

بررسی مدل ساختاری جهت مولفه های مختلف موثر در تمایل به مشارکت افراد در حل بحران دریاچه ارومیه
مدل اندازه گیری تحلیل عاملی برای مولفه اعتماد اجتماعی

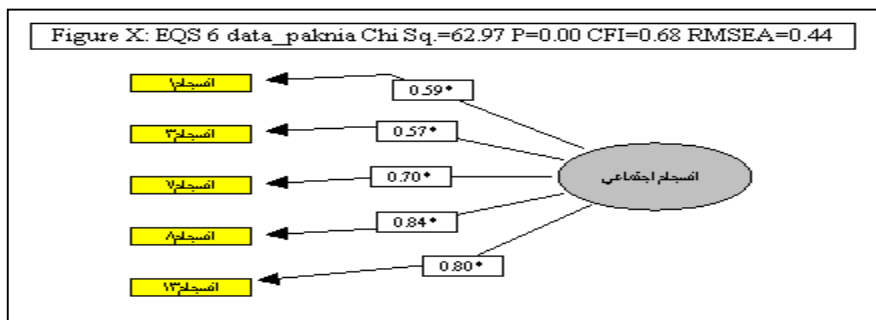
شکل (۸) مدل تحلیل عاملی برای شاخص میزان اعتماد اجتماعی را نشان می دهد. نتایج حاکی از آن است که همه متغیرهای در نظر گرفته شده تاثیر معنی داری در تعیین میزان اعتماد دارند ولی متغیر سوال ۱۰ بیشترین تبیین را در اعتماد اجتماعی دارد. در کل این شاخص نشانگر یک مدل نسبتاً خوب است (CFI=0.8).



شکل (۸): مدل تحلیل عاملی برای مولفه اعتماد اجتماعی

مدل اندازه گیری تحلیل عاملی برای مولفه انسجام اجتماعی

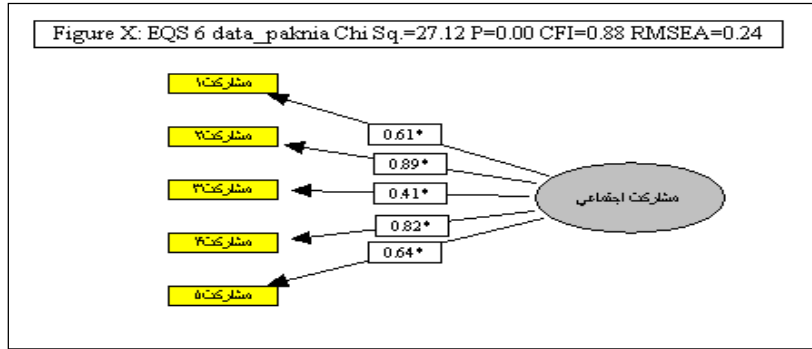
مدل تحلیل عاملی انسجام اجتماعی و متغیرهای مهم تاثیر گذار در شکل زیر ارائه شده است.



شکل (۹): مدل تحلیل عاملی برای مولفه انسجام اجتماعی

مدل اندازه گیری تحلیل عاملی برای مولفه مشارکت اجتماعی

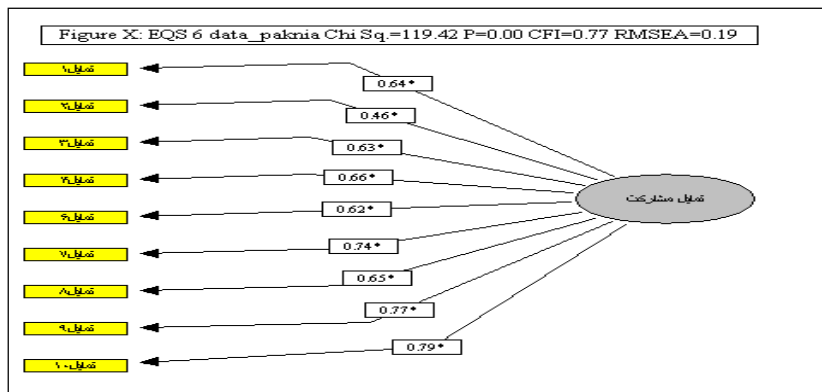
طبق شکل (۱۰) مدل تحلیل عاملی مشارکت اجتماعی از نظر آماری نشانگر یک مدل خوب است (CFI=0.88). میزان مشارکت بیشتر توسط متغیر ۲ و ۴ تبیین می شود.



شکل (۱۰): مدل تحلیل عاملی برای مولفه مشارکت اجتماعی

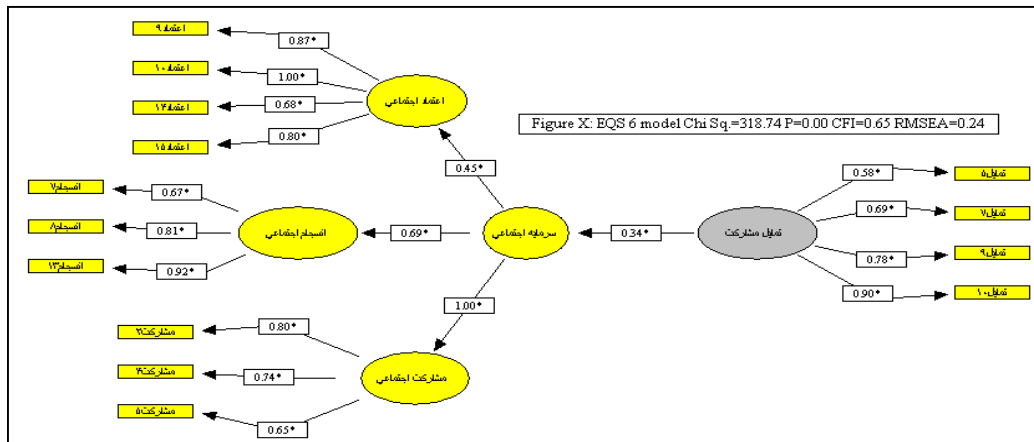
مدل اندازه گیری تحلیل عاملی برای مولفه تمایل به مشارکت

شکل (۱۱) حاکی از نتیجه نسبتاً خوب می باشد.



شکل (۱۱): مدل تحلیل عاملی برای مولفه تمایل به مشارکت

بررسی مدل ساختاری جهت مولفه های مختلف موثر در تمایل به مشارکت افراد در حل بحران دریاچه ارومیه شکل (۱۲) یک مدل معادله ساختاری می باشد که ابعاد و مولفه های سرمایه اجتماعی و تاثیر آنها در میزان تمایل افراد در مشارکت برای حل بحران دریاچه ارومیه را نشان می دهد. نتایج نشانگر آن است که میزان مشارکت اجتماعی مهمتر از دو مولفه دیگر در تبیین سرمایه اجتماعی می باشد، هر چند تاثیر مولفه اعتماد و انسجام نیز قابل توجه و معنی دار است. نتایج نشان می دهد با افزایش یک واحد به درصد سرمایه اجتماعی به اندازه ۰/۳۴ درصد بر میزان تمایل افراد به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه افزوده می شود.



شکل (۱۲): مدل معادله ساختاری برای مولفه های مختلف موثر در تمایل به مشارکت

بحث و نتیجه گیری

به طور خلاصه آنچه در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و گرایش کشاورزان به مشارکت در حل بحران دریاچه ارومیه بود. برای این کار ۴ فرضیه طراحی شد که به روش تحلیل عاملی ساختاری مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحلیل‌ها تمامی فرضیه‌های پژوهش را مورد تأیید قرار داد.

- اعتماد اجتماعی در فرضیه اول، نتیجه نسبتاً خوبی را نشان داده است ($CFI=0/8$). میزان توان تبیینی مؤلفه اعتماد اجتماعی برای تمایل به مشارکت در احیای دریاچه ارومیه ۰/۴۵ به دست آمد. این میزان در تبیین تمایل به مشارکت در احیای دریاچه ارومیه معنی‌دار می‌باشد. لذا نتایج این مطالعه همسو با سایر مطالعات داخلی کشور می‌باشد که در این خصوص انجام گرفته است.

- در فرضیه دوم انسجام اجتماعی ۰/۶۹ از میزان تمایل به مشارکت در احیای دریاچه ارومیه را احیا می‌کند. مردم محلی تنها با یکپارچگی و همگرایی فکری و عملی به صورت منسجم خواهند توانست نسبت به اقدام جمعی برای مشارکت در احیای دریاچه ارومیه اقدام کنند. تفرق و پراکندگی مردم در قالب طایفه‌گرایی و بروز چند دستگی در بین مردم (علی‌الخصوص در داخل هر روستا) موجب عدم اعتماد بین فردی و گروهی شده و به تبع آن تمایل نیز برای مشارکت در احیای دریاچه کاهش خواهد یافت. احیا و حل بحران دریاچه ارومیه نیازمند اقدام همگانی و جمعی کشاورزان و مردم محلی بوده و مسائل فنی نیز به عنوان مکمل این فعالیت‌ها قابل استفاده خواهند بود. حال اگر توانایی اقدام جمعی و نهضتی همگانی برای حل بحران دریاچه ارومیه در بین مردم محلی وجود نداشته باشد، در عمل امکان احیا و پایداری دریاچه ارومیه تحقق پذیر نخواهد بود. چنانکه گائوتری در تعریف مشارکت می‌گوید: مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چند بعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است. لذا مؤلفه‌های تشکیل دهنده مشارکت مطابق این تعریف: عمومی، یکپارچه و ایفای نقش همه مردم تنها و تنها در صورت وجود همبستگی و انسجام اجتماعی بین مردم امکان‌پذیر خواهد بود. لذا قبل از اجرای طرح‌های مرتبط با احیای دریاچه ارومیه می‌بایستی مؤلفه‌های موجود و استحکام بخشی و پایداری انسجام اجتماعی را بین مردم محلی به وجود آورد. هر کجا که ارتباط و پیوند انسجام اجتماعی با دیگر کنش‌ها و فرآیندهای اجتماعی همچون مشارکت در اشکال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن مطرح می‌شود، همه نظریه پردازان در خصوص ابراز توجه به این پیوند، علی‌رغم اختلاف نظر در چگونگی ارتباط و تأثیرگذاری در سطوح گروهی، میان گروهی و جمعی، به نوعی اتفاق نظر و اجماع می‌رسند و بر اهمیت پیوند بین انسجام و مشارکت تأکید می‌کنند. به عبارتی انسجام در کل، ناظر بر میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنشگران، گروه‌ها و خرده‌فرهنگی‌های تمایز یافته است. در واقع عاطفه جمعی مردم نسبت به یکدیگر به وجود آورنده انسجام اجتماعی می‌باشد که به صورت کاملاً مستقیم در ارتباط با مشارکت اجتماعی می‌باشد.

- در فرضیه سوم مشارکت اجتماعی، نمودار مدل تحلیل عاملی مشارکت اجتماعی از نظر آماری نشانگر یک مدل خوب را نشان می‌دهد ($CFI=0/88$). نتایج نشان داد که مشارکت اجتماعی مهمتر از دو مؤلفه دیگر در تبیین سرمایه اجتماعی می‌باشد.

مؤلفه اعتماد اجتماعی (۰/۴۵)، انسجام اجتماعی (۰/۶۹)، مشارکت اجتماعی (۱/۰۰) و همچنین سرمایه اجتماعی به عنوان برآیندی از سه مؤلفه ذکر شده به میزان (۰/۳۴) تبیین شدند. مطابق تحلیل‌های صورت گرفته مشارکت اجتماعی بیشترین میزان توان تبیین را داشته و پس از آن نیز انسجام اجتماعی دارای توان تبیینی بالایی می‌باشد. در نتایج این پژوهش میزان ارتباط بین عوامل تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی) با تمایل به مشارکت در احیای دریاچه ارومیه مثبت و معنی‌دار به دست آمد. بایستی اذعان کرد حل بحران دریاچه ارومیه از طریق تقویت و افزایش شدت و شعاع اعتماد مردم به یکدیگر و به دولت،

همبستگی و یکپارچگی مردم از طریق کاهش اختلافات قومی، خویشاوندی، سیاسی و افزایش همگرایی بین مردم و همچنین افزایش فعالیت‌های داوطلبانه مردم در قالب تشکل‌ها و فعالیت‌های دسته جمعی (ایجاد تشکل‌های مردم نهاد و...) تسهیل شده و هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، زیست محیطی را به شدت کاهش خواهد داد. بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت و نقش مردم محلی در برنامه مدیریت یکپارچه حوضه دریاچه ارومیه (IMLU) از طریق برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی، باید به بررسی ابعاد تأثیرگذار بر مشارکت مردم در این طرح پرداخته شود. با توجه به مفاد این برنامه مدیریت جامع حوضه دریاچه ارومیه، کشاورزان ساکن در حوضه دریاچه ارومیه می‌بایست از طریق برنامه‌های عدم کشت اراضی، کاهش مصرف آب‌های سطحی و زیرزمینی، افزایش بهره‌وری آب، تغییر الگوی کشت، تغییر روش‌های آبیاری، تغییر شغل و منبع درآمد و... در حفظ و احیای دریاچه ارومیه مشارکت کنند. لذا توجه به ساختارهای اجتماعی و تعاملات مردم محلی و کیفیت روابط آنها با یکدیگر و با دولت در راستای ترغیب به مشارکت در این برنامه بسیار مهم می‌باشد.

References

1. Adler, P. S., & Kwon, S. W. (2002). Social Capital: Prospects for a New Concept. **The Academy of Management Review**, 27(1), 17-40.
2. Afrakhte, H., Azizi, A., & Tabar Firooz Jayi, M.MA. (2014). the Role of Social Capital on the Rural Village of Chardange. **Jounal of Applied Geosciences Research**, 34 (4), 27-45. (In Persian)
3. Azizi Khalakhili, T., & Zamani, Gh. H. (2009). Factors Affecting Farmers' Participation in Irrigation Management: Application of Path Analysis. **Journal of Agricultural Economics and Development**, 24(1), 84-90. (In Persian)
4. Bahredar, d., & Al Yassin, M. R. (2002). **Modern irrigation management and its effect on irrigation networks performance**. Tehran: National Irrigation and Drainage Committee of Iran. (In Persian)
5. Cramb, R. A. (2006). Social capital and soil conservation: evidence from the Philippines. **Australian Journal of Agricultural and Resource Economics**, 49(2), 211-226.
6. Delphorus, M. T (translator). (2001). **Democracy and civil traditions**. By Robert Patten. Tehran: Office of Political Studies and Research of the Ministry of the Interior. (In Persian)
7. Farshe, A. A., Khairabi, J., Sayyidat, H., Mirlatifi, M., Darbandi, M., Salamat, A. R., Entezari, M. R., & Sadat Miri, M.H. (2003). **Irrigation water management on the farm**. Tehran: National Irrigation and Drainage Committee of Iran. (In Persian)
8. Haghghatian, M., Pourafkari, N., & Jafari Nia, Gh. (2012). The Impact of Social Environmental Behaviors on Social Development: Case Study South Pars Staff of Assaluyeh. **Jounal of Social Development Studies of Iran**, 5(1), 151-135. (In Persian)
9. Heyd, H., & Neef, A. (2004). Participation of local people in water management: Evidence from the Mae SA wathershed, Northern Thailand. **International food policy research institute, Washington**.
10. Hitt, M. A., Lee, H. U., & Yucel, E. (2002). The importance of social capital to the management of multinational enterpris. **Asia Pacific Journal of Management**, 3(2), 353-372.
11. Khodabashi, A., & Gholifar, A. (2012). Investigating the role of social capital on farmers' willingness to participate in water bodies (a case study of Zanzan city). **Rural Research Quarterly**, 2(3), 203-223. (In Persian)
12. Lin, S., & Huang, Y., (2005). The Role of Social Capital in the Relationship between human Intellectual Capital, 6(2), 189-199.
13. Mendoza, C. C. (2006). Factors Influencing Participation in Environmental Stewardship Programs: A Case Study of the Agricultural and Forestry Sectors in Louisiana. **Ph.D. Thesis**, Louisiana State University and Agricultural & Mechanical College, United States Louisiana. Retrieved August 5, 2007, from ProQuest Digital Dissertations.
14. Narayan, D., & Cassidy, M. F. (2001). A Dimensional Approach to Measuring Social Capital: Development and Validation of a Social Capital Inventory. **Current Sociology**, 49(2), 59-102.

15. Narayan, D., & Pritchett, L. (2009). Cents and sociability: Household income and social capital and rural Tanzania. **Economic Development and Cultural Change**, 47(4), 871-897.
16. Nouripour, M., & Nouri, M. (2012). An Analysis of the Role of Social Capital in Water Participation in Irrigation and Drainage Networks: Case of Leishter Plain. **Sciences for the promotion and education of agriculture**, 8(1), 53-70. (In Persian)
17. Ruben, R., & Lerman, Z. (2005). Why Nicaraguan Peasants Stay in Agricultural Production Cooperatives: European Review of Latin American and Caribbean. **Revista Europea de Estudios Latinoamericanos**, Del Caribe 78, 31-47.
18. Safiri, Kh., & Tamiz, R. (2011). Transformation of Social Participation Studies. **Journal of Social Development Studies of Iran**, 3(3), 121-132. (In Persian)
19. Shahroudi, A. A., & Chizari, M. (2007). Influencing Factors on Farmers' Attitudes toward Participation in Water Utility Cooperatives (Case Study in Khorasan Razavi Province). **Journal of Agricultural Science and echnology**. 11(42), 299-312. (In Persian)
20. Tasi, W. (2002). Social Capital, Strategic Relatedness and the Formation of Intraorgnizational Linkages Strategic. **Management Journal**, 21, 925-939.
21. Tavakoli, A., Azizipour lindy, A., Rezaei, A., & Mirzaei, A. (2014). Investigating the Impact of Social Capital on Intellectual Capital Components (Case Study: Qom Province Tax Administration). **Social capital management**, 2(1), 265-287. (In Persian)
22. Yercan, M. (2003). Management turning – over and participatory management of irrigation schems: a case study of the Gediz. River Basin in Turkey. **Agriculture water management**, 62(3), 205-214.
23. Zarei Dastgerdi, Z., Iravani, H., Mokhtari Hesari, A., & Shaban Ali Fami, h. (2009). Analysis of the farmers' participation in the management of water supply network in Jarghouyeh district of Isfahan. **Village and Development Quarterly**, 3(2), 45-56. (In Persian)